

بررسی تطبیقی انقلاب یاسمین تونس با انقلاب اسلامی ایران

سید آصف کاظمی^۱

چکیده

انقلاب اسلامی ایران از متمایزترین و شاخص‌ترین انقلاب‌های جهان است که در قرن بیستم؛ در بهت و حیرت تمامی تحلیل‌گران، برنامه‌ریزان و سازمان‌های جاسوسی و اطلاعاتی دنیای استکبار به وقوع پیوست. از سوی دیگر، یکی از کشورهای که در این اواخر پدیده انقلاب را تجربه نموده است کشور تونس است. سلسله‌ای تظاهرات گسترده اجتماعی (۲۰۱۰-۲۰۱۱) سرانجام منجر به انقلاب معروف به «یاسمین» در تونس گردید. در نوشتار پیش رو در پی مقایسه زمینه‌ها، اهداف و دستاوردهای این انقلاب با انقلاب یاسمین تونس هستیم و تلاش خواهیم نمود به این پرسش پاسخ دهیم که انقلاب یاسمین تونس در مقایسه با انقلاب اسلامی ایران چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در زمینه‌ها، اهداف و دستاوردهایش دارد؟ نتیجه مطالعات و اطلاعات موجود نشان می‌دهد که انقلاب تونس شباهت‌ها و اشتراک‌های فراوانی با انقلاب اسلامی در ایران دارد و در بسیاری از موارد متأثر از آن نیز هست. با وجود شباهت‌های بسیار بین هر دو انقلاب، تفاوت‌های آنان نیز فراوان است و قابل مقایسه با شباهت‌های آن دو نیستند. تفاوت و اختلاف هر دو انقلاب در اهداف و دستاوردها چشم‌گیر و آشکار دیده می‌شود که مهم‌ترین آن نبود رهبری واحد و متمرکز، فقدان ایدئولوژی و گرایش‌های دینی، عدم استقلال و به ویژه استقلال سیاسی هستند.

کلیدواژه: انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی علیه السلام، استقلال، انقلاب تونس، فساد،

زین العابدین بن علی.

۱. دانش‌پژوه دکتری تاریخ معاصر جهان اسلام، مجتمع آموزش عالی تاریخ، سیره و تمدن اسلامی جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه

انقلاب اسلامی ایران، توسط امام خمینی علیه السلام به پیروزی رسید و چشم امید مظلومان و مستضعفان جهان را با خود روشن ساخت. تأثیر سریع انقلاب اسلامی در منطقه و برآشفتن شعله خشم مردم مسلمان و غیرمسلمان در بسیاری از کشورهای تحت سلطه استعمار، گواه روشنی بر این مدعاست؛ زیرا در کمتر مقطعی از تاریخ، شاهد پیروزی و تأثیرگذاری قاطع جنبشی صرفاً مردمی بوده‌ایم. این حادثه شگفت‌انگیز چون انفجاری عظیم، تمامی تحلیل‌ها و برنامه‌ریزی‌های سیاست‌مداران و سازمان‌های جاسوسی و اطلاعاتی دنیای استکبار را دگرگون ساخت و انقلابی در نظریه‌های انقلاب ایجاد نمود. انقلاب اسلامی ایران با اثبات امکان‌پذیر بودن تغییر به ملت‌های مسلمان، باعث شد تا مسلمانان از فضای رخوت و رکود ناشی از اتکا به ایدئولوژی‌های غربی و نبود یک مدل انقلاب و حکومت دینی فاصله بگیرند و با الگوبرداری از روش‌ها و ارزش‌های انقلاب ایران، فعال شده و مطالبات خود را به صورت جدی‌تر پیگیری نمایند. یکی از اساسی‌ترین پرسش‌های نظریه‌پردازان و تحلیل‌گران انقلاب‌ها این است که انقلاب اسلامی ایران، معلول و محصول چه عواملی است؛ انقلابی که بدون استفاده از سلاح به عمر طولانی رژیم شاهنشاهی خاتمه داد. شیوه مبارزه در طول حرکت تکاملی این انقلاب، با سایر انقلاب‌های جهان متفاوت بود و اصل اساسی در آن بر مبنای روحیه شهادت و ایثار بود. از دیگر ویژگی‌های اساسی آن، حرکت‌های توده مردم برای پیروزی آن و عدم تأثیر گروه، حزب یا نحله خاصی در شکل‌گیری آن است. این انقلاب، عرف نظام بین‌الملل، بعد از جنگ جهانی دوم را برهم زد و تأثیرات زیادی را بر نهضت‌های آزادی‌بخش جهان اعم از مسلمان و غیرمسلمان بر جای گذاشت. (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۵-۱۸)

یکی از کشورهای اسلامی که اخیراً پدیده انقلاب را تجربه نموده، کشور تونس است. قیام تونس (۲۰۱۰-۲۰۱۱) معروف به انقلاب یاسمین سلسله‌ای از تظاهرات‌های خیابانی در تونس است که در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰، جوانی به نام محمد البوعزیزی در شهر دورافتاده سیدی بوزید (۲۷۰ کیلومتری جنوب غرب پایتخت)، در اعتراض به مصادره گاری و سبزی‌هایی که تنها منبع درآمدش بود، درملاًعام دست به خودسوزی زد. خودسوزی وی

به‌مثابه جرقه‌ای بود که آتش به بنیان دیکتاتوری بن‌علی زد. از همان روز تظاهرات در این شهر حاشیه‌ای آغاز شد و به تدریج به سایر شهرها و به پایتخت رسید و سرانجام در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱، اعتراضات با شدت بیشتری ادامه یافت و بن‌علی مجبور شد پس از ۲۳ سال حکمرانی، از تونس فرار نمود و انقلاب به سرانجام خود رسید. در پی ناآرامی‌ها و اعتراضات گسترده مردم تونس و کشته‌شدن ده‌ها نفر از معترضان در حمله نیروهای امنیتی به تظاهرکنندگان ضددولتی، زین‌العابدین بن‌علی ابتدا دولت و مجلس را منحل کرد و سپس از قدرت کنار رفت و جای خود را موقتاً به محمد الغنوشی، نخست‌وزیر سپرد. وی به همراه خانواده‌اش به عربستان سعودی گریخت. چندی پس از خروج بن‌علی، راشد الغنوشی که ۲۰ سال در تبعید در خارج از تونس به سر می‌برد، به همراه هفتاد تن از مخالفان رژیم زین‌العابدین بن‌علی به تونس بازگشت. راشد الغنوشی ضمن مردود دانستن مقایسه‌اش با امام خمینی، از تصمیم خود در تشکیل «حزب اسلامی تونس» خبر داد. (BOUAZZA, ۲۰۱۱) از این رو، این انقلاب را با انقلاب اسلامی ایران در عوامل، اهداف و دستاوردها مورد بررسی قرار می‌دهیم.

تطبیق انقلاب تونس با انقلاب اسلامی ایران

برای تطبیق و مقایسه انقلاب یاسمین تونس با انقلاب اسلامی ایران، زمینه‌ها و عوامل، فرایند و اهداف و دستاوردهای هر دو انقلاب مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

عوامل و زمینه‌ها

انقلاب یاسمین تونس و تظاهرات گسترده اجتماعی در تونس، با خودسوزی یک جوان تونسی به نام محمد بوعزیزی شروع شد و پس از چندی به شورش مردمی انجامید. این جوان تونسی در اعتراض به این که پلیس مانع شده بود، وی بدون مجوز سبزی و میوه بفروشد، خود را در خیابان آتش زد و متعاقباً در بیمارستان درگذشت. این حادثه باعث شروع تظاهرات خشونت‌آمیز خیابانی در سراسر تونس، در اعتراض به بیکاری، فساد و گرانی شد و سرانجام به تغییر رژیم و فرار رئیس‌جمهوری تونس انجامید. (<http://fa.wikipedia.org>)

ریشه‌ها و عوامل انقلاب تونس را باید در گذشته و تاریخ این کشور بررسی نمود و خودسوزی محمد البوعزیزی، تنها شعله‌ور شدن مجدد و نهایی حرکت مردم بود. رژیم

بن‌علی ابتدا بسان گذشته از نیروهای امنیتی برای سرکوب تظاهرات رو به گسترش استفاده کرد و بیش از ۷۰ تن در این رویارویی‌ها کشته شدند. با این حال، اعتراضات مردمی نه تنها متوقف نشد بلکه بر گستره و شدت آن افزوده گردید. پس از آنکه این نکته برای رژیم روشن شد که سرکوب دیگر همچون گذشته نمی‌تواند ملت را به خانه‌هایشان بازگرداند و ناتوانی نیروهای امنیتی در پیشگیری از گسترش شورش‌ها نیز هویدا شد، بن‌علی در ۱۳ ژانویه ۲۰۱۱، در یک سخنرانی خطاب به مردم تونس قول ایجاد ۳۰۰ هزار شغل جدید، آزادی بازداشت شدگان هفته‌های اخیر، عدم نامزدی برای دوره‌های بعدی ریاست جمهوری و بازخواست مسئولان مفاسد اقتصادی را داد ولی سرانجام مجبور شد پس از ۲۳ سال حکمرانی، از تونس به عربستان بگریزد. (احمدیان، ۱۳۹۰)

زمینه‌ها و عوامل انقلاب تونس را نمی‌توان با شرایط و زمینه‌های انقلاب اسلامی ایران در یک مقیاس بررسی نمود، گرچه بین دو انقلاب و اکثر انقلاب‌ها شباهت‌های زیادی وجود دارد اما انقلاب‌ها در شرایط و زمینه‌های خاصی نیز به وجود می‌آیند. شرایط شکل‌گیری انقلاب تونس به گونه‌ای دیگر با زمینه‌ها و عوامل انقلاب اسلامی ایران خود را نشان داده است.

از این رو، اگرچه انقلاب تونس را باید قبل از هرچیز مرهون فعالیت‌های اسلام‌گرایان مانند حزب النهضه به رهبری راشد الغنوشی بدانیم. بسیاری بر این باور هستند که جنبش اسلامی تونس تحت تأثیر اوضاع داخلی و خارجی شاهد تحولاتی حقیقی و ریشه‌ای بوده است. این تحولات در نظریه‌های اسلامی نوینی تجلی یافته که زاییده اندیشه شیخ راشد الغنوشی بوده است. (ابراهیم و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۲۷) نقش جنبش النهضه (شاخه تونسی اخوان المسلمین) به رهبری الغنوشی در مسیر تحولات تونس تعیین‌کننده است. درحالی‌که اخوان در مصر با ائتلاف با حزب نور و جنبش دعوت سلفی (جریان سلفی سنتی وابسته به عربستان) عملاً به این شکاف عمده اجتماعی دامن زد و گروه‌های سکولار تحول‌خواه مانند ناصریت‌ها و برخی جنبش‌های جوانان را به دامن ارتش سوق داد. همین رواداری و انتخاب راهبرد و راه‌کارهای مناسب توسط النهضه و دیگر نیروهای سیاسی تحول‌خواه در ممانعت از انتقال موفقیت‌آمیز و پیروز کودتای مصر به تونس نقش داشت. (جابرانصاری،

۱۳۹۲) از سوی دیگر هستند افرادی بسیاری که چنین ارتباط بین انقلاب و جنبش‌های اسلامی را انکار می‌کند. پدیده اسلام‌گرایی در تونس ادامه تدرین سنتی که پیش از دهه هفتاد قرن گذشته در تونس حکم فرما بود نیست چنانکه پدیده اسلام‌گرایی در این کشور ربطی به تدرین جدید که از چند سال قبل ظهور کرده ندارد زیرا این پدیده موج غیرسیاسی است و اسلام‌گرایی، همان جنبش سیاسی است که بر گفتمان دینی تکیه دارد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱: ۱۹)

از این رو، یکی از مشکلات در بررسی انقلاب تونس این است که اطلاعات ما بسیار اندک است و انقلاب و تغییرات در مدت کوتاهی صورت گرفت از این رو به کودتا و براندازی‌ها شباهت دارد. به هر صورت نمی‌توان انقلاب تونس را تک عاملی در نظر گرفت، مانند فعالیت اسلام‌گرایان یا عامل اقتصادی و یا هر عامل دیگر با اینکه عامل اقتصادی در انقلاب تونس بسیار پراهمیت است و بسیاری بر آن تأکید کرده‌اند همینطور انقلاب تونس را نمی‌توان از جنبش‌های اسلامی تونس جدا ساخت و نقش جریان اسلام‌گرایی مانند النهضه را انکار نمود.

درباره عامل اقتصادی دکتر محمد حداد استاد کرسی ادیان تطبیقی یونسکو در دانشگاه منویه تونس معتقد است که انقلاب یاسمین در تونس را نه سیاست‌مداران و نه روشنفکران به وجود آوردند بلکه جوانان بودند که باعث این انقلاب شدند. وی از میان علل انقلاب نیز به علل اقتصادی بیشترین بها را می‌دهد و معتقد است: حاکمیت برای جوانان فرصت‌های کاری مهیا نکرده بود و آزادی را از آنان دریغ کرده بود و عامل انقلاب همین بود. وی معتقد است که این جوانان از بیانه‌ها و اظهارات تکراری خسته شده بودند و توجه زیادی به ایدئولوژی نیز نداشتند. وی می‌نویسد: بسیاری از این جوانان اساساً «کارل مارس» و یا «سید قطب» را نمی‌شناختند. وی در فرایند انقلاب به شبکه‌های مجازی و ارتباطی نیز توجه خاص دارند و معتقد است که شبکه‌های مجازی در راه اندازی این جنبش و انقلاب بسیار تأثیرگذار بوده است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱: ۲۰) حداد علت اینکه اسلام‌گرایان چندان نقشی پررنگ در انقلاب نداشتند را بحران اعتماد نام می‌گذارد. (همان، ۲۱)

مسئله دیگر که انقلاب تونس را شتاب بخشید و از عامل‌های مهم به حساب می‌آید، سطح بالای فساد در ساختار سیاسی تونس به خصوص در میان نزدیکان بن‌علی بود. تمرکز



فساد در ارکان قدرت از یک سو و هویدا بودن فساد نخبگان حاکم برای مردم تونس از سوی دیگر، نارضایتی و خشم تونسی‌ها را با توجه به شرایط بخرنج اقتصادی کشور دو چندان ساخت. طبق گزارش شفافیت بین‌الملل، تونس در سال ۲۰۱۰، از نظر سطح فساد در بین ۱۸۰ کشور رتبه ۵۹ را داشت. (احمدیان، ۱۳۹۰) افزایش روز افزون فساد، تورم و بیکاری باعث احساس سرخوردگی مردم تونس و شروع اعتراضات در جنوب غرب این کشور شده و مردم به این نتیجه رسیدند که دولت تونس دزدی‌های زیادی انجام داده است. (مصاحب‌نیا، ۱۳۹۲) این در حالی است که دارایی‌های خانواده بن علی را تا ۵۰ میلیارد دلار برآورد کرده‌است. (<http://fa.alalam.ir>؛ <http://telegraph.co.uk>) موجودی نقدی رئیس‌جمهور در حساب‌های بانکی در سوئیس بالغ بر ۵۴ میلیون فرانک (حدود ۴۴ میلیون یورو) است. (<http://dw.de>) از دیگر دارایی‌های خانواده بن علی، به یک ویلاي مجلل در شهر وست‌مونت در کانادا، یک ویلاي مسکونی در خیابان مجلل رودان ران در ژنو، یک آپارتمان به ارزش ۳۷ میلیون یورو در پاریس، یک آپارتمان در مجاورت پیست اسکی کورشول در رشته‌کوه‌های آلپ و یک ویلا در منطقه اشرافی فرنچ ریویرا در جنوب شرقی فرانسه اشاره شده‌است. (<http://guardian.co.uk>) روزنامه لوموند گزارش کرده که لیلا طرابلسی همسر زین‌العابدین بن علی، کمی قبل از ترک تونس به بانک مرکزی تونس مراجعه کرده و یک و نیم تُن طلا را که معادل ۴۵ میلیون یورو است را برداشت نموده است. (<http://dw.de>) بالای فساد در تونس با محدودیت آزادی شدید همراه بود. الیزابت دیکینسون، در مقاله‌ای در مجله‌ی آمریکایی فارن پالیسی می‌نویسد: نداشتن هیچ‌گونه آزادی بیان یکی از دلایل اعتراض مردم بود. (مصاحب‌نیا، ۱۳۹۲)

آنچه گذشت مجموعه عواملی و بسترهای شکل‌گیری انقلاب تونس بود. حال با یک نگاه گذرا به عوامل و شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران شباهت‌ها و تفاوت‌های هر دو انقلاب به روشنی آشکار می‌گردد. از عوامل انقلاب اسلامی، علل فرهنگی آن است که جناب آقای دوانی آن را در کتاب «نهضت روحانیون ایران» بررسی نموده است. (نک: دوانی، بی‌تا) حامد الگار نیز در کتاب «ریشه‌های انقلاب اسلامی» بر عوامل فرهنگی تأکید دارد. رابرت لونی، همایون کاتوزیان و تدا اسکاچپول بر اهمیت عوامل اقتصادی در وقوع انقلاب



اسلامی تأکید می‌کنند. (نک: مشیر زاده، ۱۳۷۵) همایون کاتوزیان در کتاب «اقتصاد سیاسی ایران» با بررسی شرایط ایران از قرن نوزدهم تا استقرار جمهوری اسلامی، سال‌های ۱۳۴۰ - ۱۳۵۷ را سال‌های استبداد نفتی می‌داند. او ترکیبی از استبداد نفتی و شبه تجدد را ریشه‌های عمیق انقلاب ایران معرفی می‌کند. (نک: کاتوزیان، ۱۳۷۲) تحلیل گران غربی نقش تعیین‌کننده وضع نابسامان اقتصادی ایران را در سقوط شاه به دو صورت بیان کرده‌اند: اول بالا رفتن توقعات اقتصادی مردم به دنبال یک دوره پیشرفت اقتصادی و رکودی که از آن به وجود آمد. دوم فقدان برنامه مشخص اقتصادی و اجرای سیاست ویرانگر ریخت‌وپاش و ولخرجی‌های شاهانه برای امور مبتذلی چون جشن‌های تاج‌گذاری و ... گرچه غربی‌ها به این عامل توجه کمتر نموده است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۳۲۱-۳۲۵) درباره عوامل و زمینه‌های اقتصادی انقلاب، آقای مهدی رهبری در پژوهشی جامع و در نتیجه‌گیری تحقیق خویش می‌نویسد: «وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ بر مبنای علل اقتصادی، بدان معنا نیست که سایر عوامل مؤثر در فروپاشی نظام گذشته و وقوع انقلاب، اثرات کمتری داشته‌اند. پدیده چندجانبه انقلاب بر اثر مجموعه‌ای از عوامل تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی و جهانی رخ می‌دهد و انقلاب اسلامی نیز تابع چنین عواملی است.» (رهبری، ۱۳۸۳: ۳۰۳) برخی از نویسندگان غربی نیز به نقش اقتصاد در انقلاب اسلامی توجه نموده است. (کدی، ۱۳۸۳: ۱۵-۸۸)

تحلیل‌گرانی مانند ماروین زونیس، فرخ مشیری و دیویس وگر با توجه به استبداد شدید فردی در حکومت پهلوی، روان‌شناسی شخصیت او را از ریشه‌ها و علل مهم وقوع انقلاب می‌دانند. (مشیرزاده، ۱۳۷۵: ۲۷-۶۶) زونیس در کتاب «شکست شاهانه» معتقد است انقلاب ایران، امری مقدور و اجتناب‌ناپذیر نبود و اگر شاه قبل از انقلاب به اصلاحات دموکراتیک روی می‌آورد یا با قدرت، انقلاب را سرکوب می‌کرد، می‌توانست آن را مهار کند، ولی ویژگی‌های شخصیتی او که حاصل تربیت دوران کودکی او بود، باعث شد تا در تصمیم‌گیری‌های خود مردد باشد و به‌طور مؤثر عمل نکند. (نک: زونیس، ۱۳۷۲) اشخاصی مانند آیت‌الله عمید زنجانی عوامل تاریخی و مذهبی مانند نهضت امام حسین علیه السلام و نهضت‌های شیعی در زمان ائمه علیهم السلام مانند توایین، مختار، زید بن علی، محمد بن عبدالله بن

حسن مثنی، ابراهیم بن عبدالله و فرزندان زید و دولت‌های انقلابی مانند علویان طبرستان، سرداران و نهضت‌های نوگرایانه در تفکر سیاسی قرون اخیر مانند نهضت اسلامی شبه‌قاره، شمال آفریقا، سید جمال، حسن البنا و نهضت‌های اخیر در تاریخ سیاسی اخیر ایران مانند جنبش تنباکو، مشروطه، سردار جنگل، ... را در انقلاب دخیل می‌دانند. (عمید زنجانی، ۱۳۸۴: ۷۷-۱۹۹)

دقت در این تحلیل‌ها و تحلیل‌های دیگری که مجال بیان آن‌ها در اینجا وجود ندارد، نشان می‌دهد که هرکدام از آن‌ها علل، وقوع انقلاب را به صورت تک‌بعدی می‌بینند و توجهی به منظومه علل و عوامل وقوع انقلاب اسلامی ایران ندارند. نظرات آنان نشان می‌دهد به درستی ایدئولوژی انقلابی ملت ایران را که برگرفته از تعالیم ناب اسلامی است، در نظر نگرفته‌اند. در این زمینه نظرات حضرت امام را درباره علل و عوامل بشری انقلاب اسلامی به عنوان معمار انقلاب را مرور می‌کنیم.

حضرت امام، انقلاب را به الهی و بشری تقسیم می‌کند و علل بشری انقلاب را نیز به دودسته بشری فردی و اجتماعی تقسیم کردند. در مورد علل فردی بر مسئولیت‌پذیری فردی و تحول فردی و روحی تأکید کردند. رویکرد حضرت امام به نقش، مسئولیت و تأثیر هر فرد در مسیر بروز تحولات اجتماعی یک رویکرد منحصر به فرد است. امام با تأکید بر نقش نخبگان جامعه و نفوذ آنان بین افراد جامعه، آن‌ها را بیشتر مسئول می‌دانند تا در مسیر زمینه‌سازی و تداوم انقلاب نقش خود را ایفا کنند. حضرت امام جایگاه هر فرد را در مسیر پیروزی انقلاب، جایگاه یک علت ناقصه می‌داند تا بعد از جمع علل ناقصه، بتوان علت تامه‌ای به دست آورد و انقلاب را برپا ساخت. بنیان‌گذار انقلاب در بحث بررسی علل انسانی اجتماعی، ابتدا نقش علل فرهنگی را در بروز انقلاب اسلامی بررسی کرده‌اند. از جمله این علل در نظر ایشان، تخریب قوه فکری یک ملت، ترویج خودباختگی، تباهی نسل جوان، ترویج فساد و نفی انسان‌سازی از سوی حکومت‌هاست. هر حکومتی، در هر زمان به فرهنگ یک ملت که حاصل آداب، رسوم، باورها و سنن آن‌هاست توجه نکند و به دنبال ترویج یک فرهنگ غلط جایگزین باشد، آن ملت در مقابل آن‌ها می‌ایستد. امام در بیان علل و زمینه‌های سیاسی انقلاب تأکید کردند عمل سیاسی رژیم گذشته که بر خلاف ایدئولوژی اسلام بود، عامل اصلی حرکت مردم و بروز انقلاب شد. جو اختناق رژیم شاه، عدم اتکای



آنان به مردم در حکومت داری، از بین بردن استقلال مسلمین، سلب آزادی و جریان دادن آزادی به شیوه غربی از جمله علل سیاسی دیگر بروز انقلاب از نظر حضرت امام بود. (معینی پور، ۱۳۸۷: ۱۶۵-۱۳۵)

از مطالعه و بررسی عوامل و زمینه‌های هردو انقلاب به این نتیجه می‌رسیم که درست است انقلاب تونس بی شباهت با انقلاب اسلامی در ایران نیست و بی تأثیر از آن نیز نبوده است؛ ولی تفاوت اساسی عوامل و زمینه انقلاب تونس همانطوریکه که بسیاری از محققان بیان کردند با انقلاب اسلامی در این است که عامل اقتصادی در انقلاب تونس عامل تعیین کننده بوده است برخلاف انقلاب اسلامی که ایدئولوژی و عامل فرهنگی در انقلاب به صورت عامل برجسته خود را نشان می‌دهد.

فرایند و اهداف

اگر چه فرایند انقلاب تونس که منجر به انقلاب شد همان تحولات سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ بود، ولی برای بررسی دقیق‌تر باید به رفتار گذشته حزب حاکم و نحوه مواجهه آن با دیگر گروه‌ها به ویژه جریان اسلام‌گرایی «النهضه» برگشت که راشد الغنوشی در اوایل دهه ۷۰ هسته‌های اولیه جنبش النهضه را با همراهی و هم‌فکری عبدالفتاح مورو، حمیده النیفر و صلاح‌الدین جورشی پایه‌ریزی کرد. الغنوشی مدت ۲۲ سال در لندن و در تبعید بسر برد و پس از بازگشت به تونس در سال ۲۰۱۱ و در جریان انقلاب یاسمین، اعلام کرده است که از لحاظ عقیدتی و برداشت از اسلام به اسلام‌گرایان ترکیه نزدیک‌تر است و وی در پاسخ به خبرنگار آنا تولی با اشاره به تفاوت جوامع با یکدیگر، به موفق بودن الگوی ترکیه برای تونس به دلیل مشابه بودن شرایط این دو کشور اشاره کرد. وی حزب عدالت و توسعه ترکیه و جنبش النهضه تونس را ادامه همان روند ارزیابی کرد. (بخشی، ۱۳۹۰)

از زمانی که تونس استقلال خود را در سال ۱۹۵۶ از فرانسه به دست آورد تا ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱، جنبش دموکراتیک قانون اساسی^۱، حکومت را در دست داشت. حبیب بورقیبه در سال ۱۹۸۷ با کودتای نخست‌وزیر خود، زین‌العابدین بن‌علی، سرنگون شد. بن‌علی از زمان سرنگونی بورقیبه در ۱۹۸۷ تا زمان فرار از کشور، سیاست‌های بورقیبه را ادامه داد؛ اما فضای

سیاسی در دوره بن‌علی بسته‌تر و دولت ویژگی پلیسی بارزتری به خود گرفت. حکومت که بن‌علی بر پا کرد، رئیس جمهور را در مقام دیکتاتوری قرار می‌داد که فصل الخطاب تمامی مسائل کشور بود و در آخرین اصلاحات قانون اساسی که در سال ۲۰۰۲ به فرماندوم گذاشته شد، محدودیت سه دوره‌ای نامزدی برای ریاست جمهوری لغو شد و حداکثر سن نامزدهای ریاست جمهوری از ۷۰ سال به ۷۵ سال افزایش یافت. (احمدیان، ۱۳۹۰)

مسئله دیگری که توجه به آن در انقلاب تونس ضروری است، شرایط اقتصادی این کشور است. رشد نرخ و سطح سواد تونسی‌ها هیچ تناسبی با بازار کار و نیازمندی‌های اقتصاد این کشور ندارد. طبق گزارش برنامه توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۲۰۰۹، در سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۶، نرخ بیکاری در تونس ۲۷ درصد بود که از این تعداد حدود ۶۵ درصد را جوانان تشکیل می‌دادند. طبق این گزارش، متوسط نرخ بیکاری از ۱۳/۶ درصد در دهه ۱۹۸۰، به ۱۵/۵ درصد در دهه ۱۹۹۰ و سپس به ۲۷ درصد در سال ۲۰۰۶ افزایش یافت. (<http://www.arab-hdr.org>)

عامل اقتصادی نقش آغازگر اعتراضات مردمی را بازی کرد و با گسترش اعتراضات، مخالفت با دیکتاتوری و مطرح ساختن مطالبات سیاسی (عامل سیاسی)، در صحنه مطرح شد. همچنان که گفته شد، لغو آزادی‌های سیاسی که با توجه اولویت رفاه و بهبود وضع اقتصادی تونسی‌ها صورت گرفت، نه تنها به بهبود اوضاع اقتصادی کشور نینجامید بلکه رشد قابل توجه نرخ بیکاری که با رشد سطح سواد جوانان تونسی همراه بود، تیرگی صحنه اقتصادی تونس را در سال‌های منتهی به انقلاب ۲۰۱۱، بیشتر کرد. مطالبات سیاسی از جمله محدود کردن دوره‌های ریاست جمهوری، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی بیان و آزادی رسانه‌ها مطرح شد. سرکوب تظاهرات در سه هفته نخست به رادیکال‌تر شدن فضا و مصمم‌تر شدن تظاهرکنندگان و طرح مسئله ساقط کردن بن‌علی انجامید.

اهداف انقلاب را می‌توان از بررسی عوامل و زمینه‌ها دریافت که بیشتر اهداف این انقلاب اقتصادی هستند مانند حل مشکل بیکاری، اشتغال و تورم. در مرحله بعدی اهداف سیاسی نیز به اهداف قیام ضمیمه گردید و در اواخر مردم تونس شاید بتوان گفت که تنها هدف شان در همین شعار خلاصه می‌گردید که «الشعب یرید اسقاط النظام». از این رو

برکناری نظام دیکتاتوری بن علی به دموکراسی یکی از مهم ترین خواسته‌های انقلاب یاسمین تونس بوده است.

برای مقایسه اهداف انقلاب تونس با انقلاب اسلامی ایران نگاهی می‌اندازیم به برخی از اهداف انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ در ایران. اهداف انقلاب اسلامی ایران را می‌توان به چند هدف زیر خلاصه کرد: استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، عدالت اجتماعی، حاکمیت مردم، آزادی، حقوق زن، اخلاق و معنویت، پیشرفت علمی و صنعتی. البته اهداف انقلاب اسلامی را می‌توان از همان شعارهای ابتدای انقلاب دریافت که در شعار مهم انقلابیون یعنی استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی تبلور یافته بود. به‌طورکلی می‌توان اهداف انقلاب اسلامی را این‌گونه بیان نمود: استقلال‌خواهی و قطع هر نوع وابستگی، حاکمیت اسلام بر جامعه و رواج ارزش‌های دینی در کشور، آزادی بیان و قلم، عدالت و رفع تبعیض‌ها، پیشرفت مادی و گسترش رفاه، احیای کرامت انسانی و نقش داشتن مردم در حاکمیت بر تعیین سرنوشت خود، زمینه‌سازی برای رشد و تکامل انسان‌ها در جامعه و حذف عوامل فساد. (<http://farsi.khamenei.ir>)

به‌طورکلی اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی را به اهداف و آرمان‌های سیاسی، اهداف و آرمان فرهنگی - اجتماعی و اهداف و آرمان اقتصادی تقسیم کرد. مهم‌ترین آرمان‌های سیاسی انقلاب اسلامی عبارت‌اند از: براندازی نظام سلطنتی و ایجاد حکومتی دینی و مستقل؛ اداره امور کشور بر اساس شورا، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر؛ نفی هرگونه ستمگری، ستم‌کشی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری؛ امنیت داخلی، سانسور و تجسس مگر به حکم قانون؛ آزادی نشریات، مطبوعات اجتماعات و راهپیمایی‌ها و تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون؛ اتکا به آرای عمومی در اداره کشور و مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت خویش؛ طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب؛ محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی؛ تقویت کامل بنیه دفاع ملی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی نظام اسلامی؛ تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام و تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان؛ ایجاد روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیر محارب؛ حمایت از مبارزه حق‌طلبانه



مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر. (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۳، ۶، ۷، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۱۵۲ و ۱۵۴)

آرمان‌های فرهنگی و اجتماعی انقلاب اسلامی نیز عبارت‌اند از: ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا؛ مبارزه با مظاهر فاسد و تباهی؛ بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی؛ آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی تا سرحد خودکفایی کشور؛ تقویت روح بررسی و تنبُّع و ابتکار از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان؛ رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای عموم در زمینه‌های مادی و معنوی؛ ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضروری؛ تأمین حقوق همه‌جانبه افراد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای عموم و تساوی همه در برابر قانون؛ توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین مردم؛ تدوین قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و سیاسی براساس موازین اسلامی؛ برقراری حقوق مساوی برای مردم بدون توجه به قوم، قبیله، رنگ، نژاد و زبان؛ برخورداری تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، حوادث و سوانح و خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به‌صورت بیمه و غیره؛ آزادی‌های اجتماعی از جمله آزادی کار و حق دادخواهی برای هر فرد. (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۳، ۴، ۱۹، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۴) جلوگیری از غارت بیت‌المال توسط خاندان شاهنشاهی و وابستگان آن؛ حفظ ذخایر زیرزمینی؛ تلاش در راه پیشرفت صنعتی و فناوریانه کشور از طریق برنامه‌ریزی اقتصادی، استفاده از علوم و فنون، تربیت افراد ماهر و...؛ استقلال و خودکفایی اقتصادی؛ تأمین خودکفایی در علوم و فنون، صنعت و کشاورزی؛ پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار بهداشت و تعمیم بیمه؛ ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت؛ تأمین نیازهای اساسی شامل مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده؛ تأمین شرایط برای اشتغال کامل؛ تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر



فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در اداره کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد؛ عدم اجبار افراد به کار معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری؛ منع اضرار به غیر، انحصار، احتکار و ربا؛ منع اسراف و تبذیر؛ جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور؛ تأکید برافزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی؛ عدالت اقتصادی و کم کردن فاصله طبقاتی؛ رسیدگی به روستاهای کشور و محرومیت‌زدایی از آن‌ها را آرمان‌های اقتصادی انقلاب تشکیل می‌دهد. (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۳، ۳۱، ۴۳)

از مرور فرایند و اهداف انقلاب اسلامی ایران به این نتیجه می‌رسیم که علی‌رغم شباهت‌های بی‌شمار در فرایند انقلاب، تفاوت‌های آن نیز قابل‌کتمان و اندک نیستند. در انقلاب تونس دو هدف برجسته دیده می‌شود و آن وضعیت اقتصادی و دگرگونی حاکمیت و دیکتاتوری بود. این دو هدف اگرچه در انقلاب اسلامی قابل مشاهده هستند ولی منحصر در آن نیست، بلکه اهداف فرهنگی، اجتماعی و از همه مهم‌تر اهداف بین‌المللی و جهانی مانند مبارزه با استکبار جهانی و حمایت از مستضعفان در این انقلاب دیده می‌شود.

دستاوردها

خیزش مردم تونس سرانجام در در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ به ثمر نشست و پس از خروج زین‌العابدین بن‌علی، محمد الغنوشی، نخست‌وزیر تونس اعلام کرد براساس ماده ۵۶ قانون اساسی، رئیس‌جمهور موقت تونس است. این امر با اعتراضات گسترده‌ای مواجه شد و در نتیجه در ۱۵ ژانویه اعلام شد که براساس ماده ۵۷ قانون اساسی، فؤاد المبرغ، رئیس‌پارلمان این کشور، رئیس‌جمهور موقت تونس گردید. وی نیز محمد الغنوشی را مأمور تشکیل کابینه کرد. ردپای ارتش تونس در دگرگونی‌های شتابان پس از انقلاب به وضوح دیده می‌شود؛ ارتشی که هدف اصلی خود را کنترل وضعیت تا زمان خروج کشور از بحران می‌داند. با این حال، اعتراضات مردمی به خصوص پس از اعلام دولت وحدت ملی الغنوشی ادامه یافت. الغنوشی برای آرام کردن اوضاع دو اقدام انجام داد: نخست اعلام کرد با مشارکت احزاب اپوزیسیون دولت وحدت ملی تشکیل خواهد داد و دوم آنکه هیئتی ملی برای بررسی پرونده اصلاحات سیاسی تشکیل خواهد داد. ترکیب دولت وحدت ملی به

نحوی بود که پست‌های اصلی کابینه در دست وزرای سابق باقی ماند و تعدادی وزیر از سوی اتحادیه کار (از مهم‌ترین بازیگران انقلاب) معرفی شدند. علاوه بر این دو طیف، تعدادی وزیر مستقل و به علاوه سه وزیر از سه حزب اپوزیسیون قانونی در کابینه وحدت ملی الغنوشی حضور داشتند. (اسلام تایمز، ۱۳۹۲)

در این زمان گروه‌های مهم انقلابی اپوزیسیون را تشکیل دادند و سه حزب اصلی اپوزیسیون که در کابینه به دلیل غیرقانونی بودن حضور نیافتند، عبارت از حزب نهضت به رهبری راشد الغنوشی، حزب کنفرانس برای جمهوری به رهبری منصف المرزوقی و حزب کمونیستی کارگر تونس به رهبری رحمه الهامی بودند. با اعلام تشکیل دولت و باقی ماندن پست‌های اصلی در دست حزب گردهمایی قانونی، تظاهرات از سر گرفته شد. در مقابل، محمد الغنوشی برای آرام کردن فضا قول داد به احزاب اپوزیسیون غیرقانونی مجوز فعالیت بدهد، اما تظاهرات اعتراض‌آمیز ادامه یافت. در نتیجه، تعدادی از وزرای مستقل و اپوزیسیون استعفا کردند. به علاوه، اعلام شد فؤاد المبرغ و محمد الغنوشی از حزب گردهمایی قانونی استعفا کرده‌اند. در واقع، برای تونس‌ها روشن شده است که هدف اصلی این استعفاها فرو نشانیدن خشم ملت است. در دولت جدید الغنوشی تنها دو وزیر دیگر از دوره بن‌علی در سمت‌های خود ابقا شدند. با این حال، تظاهرات تونس، هرچند با شدت کم‌تر ادامه یافت که خواسته اصلی معترضان حذف کامل چهره‌های سیاسی دوره بن‌علی از جمله شخص محمد الغنوشی است.

در حال حاضر، دو نیروی اصلی در تونس وجود دارد و نتیجه زورآزمایی این دو نیز آینده سیاسی تونس را روشن خواهد ساخت. نخست، مجموعه‌ای است که می‌خواهد دگرگونی‌های سیاسی در چهارچوب محدودی باقی بماند. این گروه که اغلب از بقایای نظام گذشته و حزب گردهمایی قانونی هستند. در مقابل گروهی اپوزیسیون اندک که معتقدند تنها راه خروج از بحران و نجات تونس، انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی گسترده و تأسیس دموکراسی است. نتیجه کشمکش میان این مجموعه را، عوامل چندی تعیین خواهد کرد. نخست، میزان سازماندهی و موفقیت اپوزیسیون در جهت‌دهی به اعتراضات مردمی و قرار گرفتن در رأس آن است، در حالی که نظام حاکم گذشته، منهای بن‌علی همچنان فعال



اصلی عرصه سیاسی تونس است. دوم، عامل خارجی نیز در رقم زدن آینده رویارویی نیروهای اصلی عرصه سیاسی تونس تأثیرگذار می‌باشند. برای نمونه آمریکا یک هفته پس از انقلاب، جفری فیلمن معاون وزیر خارجه، ضمن دیداری از تونس و ملاقات با رهبران جامعه مدنی، احزاب اپوزیسیون و دولت موقت اعلام کرد: «ایالات متحده برای کمک به تونس در برگزاری انتخاباتی آزاد، شفاف و فراگیر که پایه حکومت و نظامی نوین در تونس باشد آماده است.» (<http://international.daralhayat.com>) در واقع، ایالات متحده نگران آینده تونس و احتمال به قدرت رسیدن اسلامگرایان است. این موضوع در ملاقاتهای فیلمن با میزبانانش نیز مطرح شد. با این حال به نظر می‌رسد حتی با رسیدن اسلامگرایان به قدرت، با توجه به سکولاریسم حاکم بر جامعه تونس و پابندی ارتش به اصول سکولار بعید به نظر می‌رسد منافع آمریکا در این کشور زیاد آسیب ببیند؛ زیرا از یک سو ایالات متحده منافع مستقیم چندانی در این کشور جز پیشگیری از احتمال گسترش رادیکالیسم از تونس به منطقه ندارد و از سوی دیگر اسلامگرایان تونس که حزب نهضت به رهبری راشد الغنوشی در رأس آنها قرار دارد، معروف به اسلامگرایان دموکراتیک می‌باشند. (احمدیان، ۱۳۹۰)

به طور خلاصه دستاوردهای انقلاب یاسمین تونس را می‌توان چنین بیان نمود: اولین جنبش مردمی در جهان عرب که توانست حاکم دیکتاتور خویش را از قدرت برکنار و نخست وزیر محمد الغنوشی را وادار به استعفا نمود (Willsher, 2012)؛ انحلال پلیس سیاسی کشور (www.bbc.com)؛ انحلال حزب RCD حزب حاکم تونس (Al Jazeera, 2011)؛ آزادی زندانیان سیاسی (The Guardian, 2011)؛ برگزاری انتخابات مجلس موسسان در ۲۳ اکتبر ۲۰۱۱. (<http://ooyuz.com>)

برای مقایسه این دستاوردها با دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران، باید دید که انقلاب ایران چه دستاوردها داشته است؟ از انقلاب ایران بیش از سی سال می‌گذرد. این انقلاب که در اواخر قرن بیستم رخ داد اکنون پس از گذشت بیش از سه دهه برخی دستاوردهای آن موردبررسی قرار می‌گیرد. دستاوردهای انقلاب نیز مانند اهداف و آرمان‌های آن به چندگونه دسته‌بندی می‌گردد.

الف) دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی: حاکمیت اسلام بر پایه ولایت فقیه،

(طاهری، ۱۳۷۷: ۲۵۴-۲۵۹) سرنگونی استبداد ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، کسب استقلال و آزادی، (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۵۹-۱۶۰) ارتقای مشارکت سیاسی و آگاهی‌های مردم و حاکمیت اصل نه شرقی و نه غربی در ایران اسلامی که از اصول مسلم و خدشه‌ناپذیر حاکم بر سیاست خارجی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی است.

ب) دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی: نفی مظاهر فرهنگی غرب و مقابله با تهاجم فرهنگی، (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸/۸/۳) حاکم شدن فرهنگ اسلام ناب، مشخص شدن جایگاه واقعی زن مسلمان در خانه و اجتماع، (روزنامه رسالت، ۱۳۷۱/۸/۳) عمومی شدن آموزش و ارتقای سطح علمی و ... از دستاوردهای فرهنگی انقلاب است.

ج) دستاوردهای اقتصادی انقلاب اسلامی: بازسازی اقتصاد تک‌محصولی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب است. اقتصاد ایران در رژیم پهلوی، نمونه‌ی کامل اضمحلال اقتصاد ملی کشورهای جهان سوم در نظام سرمایه‌داری بین‌الملل بود. کشوری که در اواخر عمر رژیم پهلوی با فروش بی‌دریغ نفت، تلاش داشت به معیارهای رشد و توسعه‌ی غربی دست یابد. ولی انقلاب اسلامی از همان روزهای اول روح برابری و نفی استثمار را در پیکر نیمه‌جان اقتصاد کشور دمید و هرچند جنگ تحمیلی باعث شد که مدتی این برنامه به عقب بیفتد ولی پس از پایان جنگ طی، با هماهنگی مردم و دولت، سازندگی آغاز گردید و طرح‌های بزرگی اجرا شد و با به ثمر رسیدن این طرح‌ها اقتصاد تک‌محصولی نجات یافت و صادرات غیرنفتی افزایش یابد و ثروت کشور در مسیر عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه قرار گیرد. دفاع قهرمانانه در مقابل حملات رژیم بعث، تشکیل سپاه و بسیج، خودکفایی نظامی و ... از دستاوردهای نظامی انقلاب اسلامی به حساب می‌آید.

د) دستاوردهای جهانی انقلاب اسلامی: انقلاب اسلامی ایران، علاوه بر دستاوردها و آثار ارزشمندی که برای ملت ایران داشته است دارای دستاوردهای بسیاری نیز برای همه‌ی محرومان و مستضعفان داشته است که به تعدادی از آن‌ها به صورت گذرا اشاره می‌گردد.

از دستاوردهای انقلاب اسلامی تجدید حیات اسلام در جهان و گرایش شدید به دین است. پس از انقلاب اسلامی صدها کتاب در مورد نقش مذهب در اجتماع و سیاست به بازارهای جهان آمده و بسیاری از دانشگاه‌های جهان به تحقیق درباره‌ی مذهب پرداخته



درحالی که قبل از آن دین را افیون توده‌ها می‌دانستند. پیش‌بینی فروپاشی شوروی سابق را نیز باید از دستاوردهای انقلاب اسلامی شمرد. درحالی که هیچ‌یک از تحلیل‌گران سیاسی دنیا فروپاشی این قدرت بزرگ را پیش‌بینی نمی‌کردند امام خمینی علیه السلام با شناختی که از قدرت اسلام داشتند این پیش‌بینی دقیق را نمودند و در پیامی به رهبر شوروی سابق اعلام کردند که صدای شکستن استخوان‌های کمونیسم به گوش می‌رسد و از این‌پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخی سیاسی جهان بررسی کرد. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱: ۶۷) دستاوردهای دیگری مانند گرایش زنان مسلمان به حجاب، بازگشت به خویشتن در بین مسلمانان تلاش غرب برای شناخت اسلام و تشیع و ... نیز از جمله دستاوردهای انقلاب در خارج از کشور است.

دستاوردهای انقلاب یاسمین تونس با انقلاب اسلامی ضمن داشتن برخی مشترکات مانند برکناری دیکتاتورها، تفاوت آشکاری وجود دارد. بعد از پیروزی انقلاب یاسمین هیچ حرکتی مبنی بر روی کار آمدن حکومت دینی دیده نشد. حتی اسلام‌گرایان که قبل از آن حرف از مردم‌سالاری دینی و یا حکومت اسلامی می‌زد مانند راشد الغنوشی نیز ابراز تمایل نکردند و اعلان نمودند که در پی تشکیل حکومت دینی نیست. الغنوشی در مصاحبه‌ای گفت که چه کسی گفته است که ما درصدد آن هستیم که حکومت اسلامی تشکیل دهیم؟ چه کسی گفته است که اگر ما به قدرت برسیم مشروب فروشی‌ها را تعطیل می‌کنیم؟ یا خانم‌هایی که با بی‌حجابی می‌خواهند کنار دریای تونس بروند ما جلوی آن‌ها را می‌گیریم؟ ما اصلاً برای این چیزها نیامده ایم. (سید افقهی، ۱۳۹۳) دیدگاه شیخ راشد الغنوشی درباره غرب نیز همسان و یکپارچه نیست. دیدگاه وی را در کشاکش میان دیدگاه سکولارها و سلفی جهادی دانست. از این رو، غرب در دیدگاه وی گاهی به نظریات سکولارها شبیه است که با غرب دشمنی نداشته و چه بسا غرب مرکز و آمال آنان نیز به حساب می‌آیند. از طرف دیگر اندیشه‌های وی گاهی به اندیشه‌های سلفی‌های رادیکال، افراطی و جهادی نزدیک می‌گردد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱: ۲۵۱-۲۵۳) به نظر می‌رسد دیدگاه دوستانه و مثبت به غرب نزد الغنوشی از قوت بیشتر برخوردار است زیرا بعد از انقلاب یاسمین تونس و بازگشت به متن جامعه و سیاست دیدگاه‌های الغنوشی در بسیاری از موارد تغییراتی نموده است.

همانطوری که در اهداف هردو انقلاب گذشت، دستاوردهای انقلاب تونس با انقلاب اسلامی، تفاوت آشکارتر از عوامل و اهداف دارد. انقلابی‌های تونس اگرچه توانستند نظام حاکم را کنار بزنند ولی شاید به درستی نتوان مفاهیم یک انقلاب را در این خیزش نهاد زیرا هنوز بقایای نظام گذشته در ارکان قدرت حضور دارند و حزب حاکم نیز منحل اعلان نگردیده است. از این رو از طرفی باقیمانندگان حکومت سابق در نظام موجود سهم دارند و از سوی دیگر برخی از کشورهای منطقه و بین‌المللی مانند عربستان و آمریکا تأثیر فراوان در بازیگران این کشور دارند. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های انقلاب تونس در این است که انقلاب اسلامی ایران نه تنها حکومت دیکتاتوری شاهنشاهی را سرنگون ساخت بلکه از مهم‌ترین دستاوردهای آن برقراری نظام ولایت فقیه در ایران بود. نفی مظاهر فرهنگی غرب و مقابله با سلطه فرهنگی غربی از دیگر تفاوت‌های آشکار هردو انقلاب است. انقلاب تونس هنوز مظاهر غربی در آن نفوذ دارد و جریان‌های سکولار و غرب‌گرا در این کشور حضور پررنگ دارند.

نتیجه

همانطوری که بیان شد انقلاب تونس شباهت و اشتراک‌های زیادی با انقلاب اسلامی ایران دارد و در بسیاری از موارد متأثر از آن نیز هست. برخی از اشتراکات عبارت‌اند از اشتراک در جبهه دشمنان که در برابر هردو انقلاب، نظام سلطه مرکب از آمریکا و هم‌پیمانان آن قرار دارند. در داخل کشورها نیز هردو انقلاب با یک نظام حکومتی مستبد، موروثی و فاسد و مطیع سیاست‌های آمریکا بوده است مواجه بوده‌اند. انقلاب تونس با انقلاب اسلامی در بسیاری از اهداف نیز مشترکند. انقلاب‌گران هردو کشور با هدف سرنگونی نظام حاکم فاسد، ظالم و مستبد به پا خاستند و با وابستگی حکومت‌های خویش به قدرت‌های سلطه‌گر جهانی مخالف بودند و با هدف تأمین عدالت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و از همه مهم‌تر مشارکت مردم در تعیین حکومت و سرنوشت خویش به خیابان‌ها سرازیر شدند. اشتراک در شیوه‌ها نیز همگونی بودن هردو انقلاب را نشان می‌دهد. استبداد ستیزی، مقاومت و ایستادگی، عدم استفاده از خشونت، حضور زنان از دیگر مشترکات هردو انقلاب هستند. انقلاب یاسمین تونس به احتمال زیاد از انقلاب اسلامی در ایران الگو برداری نموده و از آن متأثر است، چنانچه بسیاری بر این مطلب صحه گذاشتند. برای نمونه جنبش «الاتجاه الاسلامی» راشد الغنوشی و عبدالفتاح مورو تحت تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی به وجود آمد. (فرتی، ۱۳۷۹: ۵۸) فعالان مسلمان تونس از تجربه ایران تشویق شدند و جسارت بیان خواسته‌های خود را یافتند. ناخرسندی از مذهب زدایی عمیق جامعه به ظهور گروه‌های اصلاح طلب اسلامی نظیر جامعه حفظ قرآن کمک کرده بود. حکومت بورقوبه که انقلاب اسلامی را افراطی می‌دانست نخست کوشید این فعالان را با بر چسپ «خمینیست» متهم کند و سپس رهبران آن را دستگیر و به زندان افکند. (اسپوزیتو، ۱۳۹۰: ۲۳-۲۴) جان اسپوزیتو نیز معتقد است که حکومت تونس الگوی این انقلاب را تهدیدی برای رهبری سیاسی خود تلقی می‌کرد. انقلاب ایران به گرایش‌های که از پیش در کشور بود شتاب بخشید. (همان، ۲۳) در هر صورت انقلاب اسلامی، به تمایلات اسلامی و انقلابی در تونس، شتاب بیشتری بخشید. (هفته نامه پرتو سخن، ۱۳۸۳/۸/۲۱، ص ۴) نفوذ معنوی انقلاب اسلامی در تونس سبب شد فعالان مسلمان، با الگو برداری از ایران و ایجاد جسارت در بیان



خواسته‌های خود، جنبش اسلامی جدیدی را با عنوان «حرکه الاتجاه الاسلامیه» در تونس تشکیل دهند که بعداً به «جنبش نهضه» تغییر نام داد. (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۳۶۵)

با وجود شباهت‌های بسیار بین دو انقلاب، تفاوت‌های هردو انقلاب نیز اندک نیستند که مهم‌ترین آن عبارت‌اند از: نداشتن رهبری واحد و متمرکز؛ انقلاب اسلامی ایران را رهبر حکیم، مدبر و فقیه جامع‌الشرایطی رهبری می‌کرد که از قدرت شرق و غرب و ایادی آن هیچ‌واهمه نداشت و به قدرت الهی و مردم‌شایمان داشت. ولی در انقلاب تونس فرد خاصی رهبری انقلاب را بر عهده ندارد و گروهی نیز دارای نقش برجسته‌ای در رهبری نیستند و گروه‌های متعدد سیاسی و اقشاری در انقلاب نقش دارند. تفاوت مهم دیگر که از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است ایدئولوژی و گرایش‌های دینی در انقلاب است. در انقلاب اسلامی ایران اکثریت مردم ایدئولوژی اسلامی در همه ابعاد و سیاسی و اجتماعی مبنای سیاست‌ها و اقدامات بود و شعار مردم «استقلال، آزادی جمهوری اسلامی» بود ولی این شعار و شعارهای مشابه در انقلاب تونس دیده نمی‌شود. در انقلاب تونس هیچ گروهی از جمهوری اسلامی سخن به میان نیاورد بلکه داشتن یک ایدئولوژی دینی در بین انقلاب‌گران غایب بود. تفاوت دیگر با وجود خواسته‌های دموکراتیکی و مردم‌سالارانه، مردم تونس برای آینده خویش نظام خاص و طرح خاص در نظر نداشت و بیشتر شعارهای مانند «الشعب یرید اسقاط النظام» بود نه مانند جمهوری اسلامی. از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی در ایران استقلال انقلاب به ویژه در استقلال سیاسی آن است. این مهم در انقلاب تونس دیده نمی‌شود و همانطوری که بیان گردید کشورهای مختلف به خصوص ایالات متحده آمریکا در سرنوشت انقلاب‌های عربی نقش تعیین‌کننده دارد و رفت‌وآمد فراوان آمریکائی‌ها در این کشور و اعلان دلیل بر آن است و هر دو کشور این موضوع را پذیرفته‌اند.

منابع

۱. ابراهیم، محمد و دیگران، ۱۳۸۵، *جنبش اسلامی تونس*، ترجمه جواد اصغری، تهران: اندیشه‌سازان نور.
۲. اسپوزیتو، جان، ۱۳۹۰، *جنبش‌های اسلامی معاصر*، ترجمه شجاع احمدوند، تهران: نشر نی.
۳. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۷۹، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۴. بخشی، احمد، ۱۳۹۰، بررسی افکار و اندیشه‌های الغنوشی طریقت «راشد» *مهرنامه*، شماره ۱۰.
۵. جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، *اسلام سیاسی در تونس: از مشیت آهنین بن علی تا انقلاب یاسمین*، ترجمه مصطفی اسماعیلی و مهدی عوض پور، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۶. دکم‌جیان، هرایر، ۱۳۷۷، *اسلام در انقلاب، جنبش‌های اسلامی در جهان عرب*، ترجمه حمید احمدی، تهران: سازمان انتشارات کیهان.
۷. دوانی، علی، بی‌تا، *نهضت روحانیون ایران*، تهران بنیاد فرهنگی امام.
۸. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳/۱۰/۱۳۵۸.
۹. روزنامه رسالت، ۱۳/۱۰/۱۳۷۱.
۱۰. رهبری، مهدی، ۱۳۸۳، *اقتصاد و انقلاب اسلامی ایران (بررسی مقایسه‌ای نظریه‌های اقتصادی با انقلاب اسلامی ایران)*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۱. زونیس، ماروین، ۱۳۷۲، *شکست شاهانه*، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر طرح نو.
۱۲. طاهری، حبیب‌الله، ۱۳۷۷، *انقلاب و ریشه‌ها*، تهران: شرکت چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۳. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۴، *گزیده کتاب انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، تهران: طوبی.
۱۴. فراتی، عبدالوهاب، ۱۳۷۹، *رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی*، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، معارف.
۱۵. کاتوزیان، همایون، ۱۳۷۲، *اقتصاد سیاسی ایرا اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
۱۶. کدی، نیکی‌آر، ۱۳۸۳، *نتایج انقلاب ایران*، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.
۱۷. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۴، *انقلاب اسلامی؛ زمینه‌ها و پیامدها*، قم: نشر معارف.
۱۸. مشیرزاده، حمیرا، ۱۳۷۵، *نگاهی به رهیافتهای مختلف در مطالعه انقلاب اسلامی ایران، مجله راهبرد*، شماره ۹.
۱۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۷، *پیرامون انقلاب اسلامی*، تهران: صدرا.
۲۰. معینی‌پور، مسعود، ۱۳۸۷، *بررسی برخی علل و زمینه‌های بشری انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی، فصلنامه علمی - پژوهشی انقلاب اسلامی*، شماره ۱۲.
۲۱. هفته نامه پرتو سخن، ۲۱/۱۱/۱۳۸۳.

2. <http://bbc.com/news/world-africa-12209621>
3. <http://dw.de>
4. <http://dw-world.de>
5. <http://fa.alalam.ir>
6. <http://fa.wikipedia.org>
7. <http://farsi.khamenei.ir>
8. <http://guardian.co.uk>
9. <http://iiwfs.com> سید هادی، تحولات فکری الغنوشی و حزب النهضه در تونس، مؤسسه آینده پژوهی جهان اسلام، ۱ شهریور ۱۳۹۳
10. <http://international.daralhayat.com>
11. <http://irdiplomacy.ir> جابرانصاری، دیپلماسی ایرانی، به مناسبت سه سالگی انقلاب یاسمین، تجربه ۱۳۹۲ دیپلماسی ایرانی متمایز تونس در انقلاب‌های عربی، پنجشنبه ۱۵ اسفند ۱۳۹۲
12. <http://islamtimes.org> اسلام تایمز، ۱۳۹۲، تونس سه سال پس از انقلاب یاسمین شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۲
13. <http://isrjournals.ir> احمدیان، حسن، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۰، انقلاب تونس؛ زمینه‌ها و پیامدها مندرج در فصلنامه‌های پژوهشکده تحقیقات راهبردی
14. <http://mosahebnia.com> مصاحب نیا، اصغر، ۱۳۹۲، بهار عربی بر مبنای نظریه یورگن هابرماس مورد پژوهی انقلاب تونس
15. <http://ooyuz.com>
16. <http://telegraph.co.uk>
17. <http://theguardian.com> /Beaumont, Peter (19 January 2011). "Tunisia set to release political prisoners". The Guardian:
18. <http://theguardian.com> /Willsher, Kim (27 February 2011). "Tunisian prime minister Mohamed Ghannouchi resigns amid unrest". The Guardian